

تحقیق پیرامون حسین بن موسی بن جعفر (ع) و مرقد وی

مطلبی که از نظر خوانندگان عزیز میگذرد قسمتی از طرحی است که تابستان امسال برای شناساندن امامزاده حسین بن موسی بن جعفر (ع) و تحقیق پیرامون مرقد وی انجام گرفته است این طرح شامل دو قسمت میباشد که در اولین قسمت آن اوضاع طبیعی و تاریخی و محل دفن آن حضرت (علی المشهور جوپار ۳۶ کیلومتری کرمان) و در دومین قسمت تحلیلی در مورد زندگی خود آنجناب آمده است. زیرا شناخت موضع دفن هر کس کمک زیادی به شناخت بیشتر زندگی او کرده و راه را برای شناسائی بیشتر وی هموار مینماید

اوضاع طبیعی و جغرافیائی جوپار JUPAR

جوپار نام دهستانی است در جنوب شهر کرمان بفاصله ۳۶ کیلومتر و در ۵۷ درجه و ۷ دقیقه طول شمالی و ۳۰ درجه و ۴ دقیقه عرض جنوبی^۱ و بین رشته کوههای جنوبی (کوه جوپار از طرف جنوب) و حومه شهر کرمان از سمت شمال قرار گرفته است و از نظر تقسیمات کشوری جزء بخش ماهان است. یک راه درجه ۲ ده را به شهر اتصال میدهد و نیز از طرف مشرق تا ماهان ۱۷ کیلومتر راه است. هیچ راه عبوری در آن یافت نمی شود و یکی از عوامل رکود آن نسبت به سایر بخشها

همین امر است . دارای آب و هوایی سالم و درجه حرارت و برودت آن باشهریکی است و کم اتفاق می افتد که نزول برف و بارانی در شهر آنجا راهم فرانگیرد ولی گرمی تابستان شهر را ندارد و وجود آب و هوای معتدل باعث توجه مردم شهر به آنجا است . اهالی آن شیعه دوازده امامی و شغل عمده ایشان زراعت و قالیبا فی است .

از سیاحتی که از این محل دیدار کرده اند (ژنرال سرپرسی سایکس^۲) است که در جنگ بین الملل اول بفرماندهی لشکر جنوب انتخاب شد . سایکس در ضمن مسافرت های ششگانه اش در ایران از کرمان و توابع آن دیدار کرده و در راه خود به جوپار چنین میگوید: «از جاده جنوبی کرمان یعنی از حوالی آرامگاه شیخ علی گوهری که میگویند یکی از متصوفه بوده است حرکت نمودم و پس از طی جاده ای که در امتداد باغات ریگ آباد کشیده شده است به اراضی پرشن و ماسه و تپه های ریگی مرتفع که شهر را احاطه کرده و سپس بمنزل اولی مسافرت یعنی «جوپار» رسیدم و چه تسمیه جوپار این است که ایلات و قبایل بادیه نشین آنرا «جای پارسای» مینامیدند و به تدریج جوپار شده است . محل مزبور در حدود چهار هزار خانوار جمعیت دارد و گنبد آبی رنگ آن که به احترام مزار شاهزاده حسین برادر امام رضا بر پا گردیده از شهر کرمان دیده میشود و منظره بدیعی را تشکیل میدهد^۳ .

در مورد کلمه «جوپار» نظرات دیگری نیز آمده است چنانکه صاحب جغرافیای کرمان را عقیده بر آنست که معجم «نهر فارد» است و یا مخفف «جوپار»^۴ .

مرحوم محمد حسن خان اعتماد السلطنه در مجلد چهارم مرآت البلدان در این باره گفته است: جوپار مخفف (جوپار) است و قریه متنزه ای است و فواکه نیکو دارد و دو قنات یکی گوهر ریز و دیگری کوثر خیز دارد که آب هر دو بعد از آنکه به موصوف است و جوپار را مشروب میسازد . در حوالی مزار شاهزاده حسین مرحوم محمد اسماعیل خان (وکیل الملک) کاروانسرا و بازار و باغی موسوم به فردوس بر پا و در

۲- General. Sir. Percy Molossmorth Sykes

۳- فصل ۳۶ سفرنامه سایکس .

۴- ص ۸۵ جغرافیای کرمان .

فاصله دومیل مزرعه‌ای بنام اسماعیل آباد احداث نموده است. بنابر تحقیقی که بعمل آمده نام این محل قطعاً از سال ۹۰۰ هجری بهمین صورت فعلی (جوپار) بوده است زیرا در تذکره الاولیاء مهربانی که در آن مدفونین کرمان را ذکر میکند کلمه جوپارا را بهمین صورت نوشته است.

ناگفته نماند که تاریخ تحریر این کتاب در حدود سال ۹۳۹ هجری بوده است. پاره‌ای شواهد تاریخی نیز میرساند که در حدود سالهای ۵۷۰ نیز همین صورت بوده زیرا محل قتل تورانشاه از امرای سلاجقه کرمان در قلعه جوپار بوده است^۶ صاحب جغرافیای کرمان (مرحوم وزیری) بر وجود قلعه وحصاری در این محل تصریح دارد و میگوید (جوپار) را قلعه‌ای است بر روی تلی که تقریباً ۳۰ ذرع ارتفاع دارد سابق بر این معمور بوده و حال تحریر مطمور بوده^۷ سال تحریر جغرافیای کرمان ۱۲۹۱ هجری است.

در کتب مسالك وممالك وسایر فرهنگنامه‌های شهرها، نامی از جوپار و یا اشکال تغییر یافته آن بنابر آنچه گذشت وجود ندارد در حقیقت اهمیت آن در حدود سالهای تسلط سلاجقه و غز در کرمان پیدا میشود و واقعیت امر هم همین است زیرا وجود تپه‌های مرتفع که دنباله کوههای جوپار است مانند دیواری بوسط ده آمده و بهترین پناهگاه و گریزگاه و نیز بهترین مرکز دفاعی برای اشخاص مختلف بوده است. در این اواخر از نظر مذهبی حرم مطهر و از ناحیه توریستی و کاوشهای جغرافیائی کوه مرتفع آن که در ۱۰ کیلومتری جنوب جوپار واقع شده است مورد توجه قرار گرفته است. این کوه دنباله کوههای مرکزی ایران است که نسبتاً مرتفع میباشد «وسایکس» درباره آن میگوید «جبال جوپار سیزده هزار پا ارتفاع دارد و در ۲۰ میلی جنوب شهر واقع است و دورنمای دلفریبی را تشکیل میدهد. سلسله کوههای واقع در زاویه شرقی فلات ایران نیز تقریباً همان ارتفاع را دارد ولی فاقد

۵- مجلد چهارم مرآت البلدان .

۶- تاریخ کرمان

۷- ص ۸۶ جغرافیای کرمان .

آن جلوه و خودنمایی است» .

جوپار باغات متعددی دارد که دکاکین میوه فروشی شهر بوسیله میوهی آنجا آب ورنگ پیدامیکند و در دامنه‌یک رشته جبال مرتفع واقع شده که بهمین نام (کوه جوپار) خوانده میشود .

آبهای شهر از چشمه‌های دامنه این کوه مشروب میگردد . در اراضی ماسه واقع در میان شهر و جوپار چندین رشته قنات احداث گردیده است^۸ در سال ۱۸۹۰ توسط (بورن مولر) مورد تحقیق و کاوش علمی قرار گرفته و بعد از آن (پ. ل. گوئیزی) در مورد عوالم نباتات مرتفع در آنجا به تحقیق پرداخته است^۹ . در این اواخر نیز توسط چندتن از دانشجویان آلمانی مورد بررسی و کاوش قرار گرفته است.

* * *

تاریخ کتابی است که متأسفانه همیشه آدمی بایستی از وسط آن آغاز کند .
ویل دورانت

تاریخ جوپار

مانیز مکتوبی در این مورد تا سال ۵۷۷ هجری نداریم از این سال است که اسم جوپار نیز به تاریخ راه پیدا میکند و حوادث کوچک و بزرگ دیگر نیز در تکوین این محل مؤثر واقع میشوند . بنابه گفته تاریخ کرمان (سالاریه) تورانشاه سلجوقی در قلعه جوپار محبوس بوده و در همان قلعه بدست شخصی بنام (رفیع الدین) به قتل میرسد . در سال ۶۵۶ هـ محل توقف و برگشت لشکر ابواسحق اینجو بوده زیرا نامبرده از شیراز به قصد فتح کرمان راه میافتد و در جوپار توقف نموده و جاسوسان را پی فتیش حال به کرمان اعزام میدارد. آنها ثبات و پایداری مردم را به وی اطلاع داده و ابواسحق تقاضای صلح کرده و حکم به بازگشت میدهد^{۱۰} .

۸- ص ۳۶ سفرنامه سایکس .

۹- ص ۴۰۳ تحقیقات جغرافیائی راجع به ایران .

۱۰- ص ۲۲۹ تاریخ کرمان ، سالاریه .

ظاهراً از این سال تا زمان جلوس کریم خان زند حادثه مهمی در آنجا رخ نمیدهد و در زمان حکومت وکیل در اثر ازدواج بسطام خان نایب الحکومه کرمان با دختر یکی از متنفذین جوپار دست ستم پاره‌ای از وابستگان^{۱۱} زن نامبرده به روی مردم کرمان و جوپار دراز میشود که خان زند وی را معزول و دونفر دیگر را به شراکت هم حکومت میدهد.^{۱۲}

حسین بن موسی بن جعفر علیه السلام

اغلب علمای تاریخ و انساب از جمله ابن شهر آشوب و شیخ مفید و صاحب عمده الطالب در عدد فرزندان امام موسی کاظم (ع) اختلاف کرده‌اند زیرا عدد اولاد آن بزرگوار را ۶۰ نفر گفته‌اند^{۱۳} و برخی ۳ نفر هم نوشته‌اند^{۱۴} ولی در عین اختلاف در شماره ایشان اکثراً بوجود فرزندی بنام حسین از امام موسی بن جعفر (ع) چنانکه در منتهی الامال به نقل از شیخ مفید آمده قائل شده‌اند^{۱۵}.

شیخ طبرسی میگوید: «لکل واحد من ولد ابی الحسن موسی (ع) فضل و منقبة و کان الرضا (ع) مشهوراً بالتقدم و نباهة القدر و عظم الشأن و جلالة المقام بین الخاص و العام»^{۱۶}.

فرزندان امام موسی بن جعفر بعد از رحلت پدر بردودسته شدند اولین دسته به امامت برادرشان حضرت رضا معتقد و معترف بودند و دسته دیگر در عین اعتقاد سستی که داشتند بنای نافرمانی از دستورات امام و بدرفتاری با مردم را آغاز نمودند تا آنجا که چون زید (برادر حضرت رضا) خانه‌های اهل بصره را آتش زد و به زید النار معروف شد امام رضا او را توبیخ و تعنیف بسیار فرمود و در روایتی آمده است که حضرت قسم خوردند که تازنده باشند بازید تکلم نفرمایند. خلاصه فرمایش امام به زید این بود که «آیا کلام سفله اهل کوفه ترا مفرور کرده است که

۱۱- محمد علی خان چوپاری . مرتضی خان برادرزهای بسطام خان .

۱۲- ۳۲۹ تاریخ سالاریه کرمان .

۱۳- عمده الطالب .

۱۴- ابن شهر آشوب .

۱۵- منتهی الامال ۲۲۳ .

۱۶- اعلام الوری طبرسی .

نسل فاطمه گرمی آتش رانمی‌بینند زیرا این اختصاص به‌حسین (علیهماالسلام) دارد و آیا گمان میکنی چون فرزند امام هستی معصیت خدا بر تو نوشته نخواهد شد؟» و سپس میفرمایند تو برادر من خواهی بود تا وقتی که اطاعت خدا کنی. و برای تأکید سخن خود به آیه نوح و پسروی استدلال نمودند.^{۱۷}

باری عموم علمای نسب و تاریخ ورود امامزادگان را به ایران بعد از شهادت حضرت رضا (ع) میدانند و در این مورد صاحب کنزالانساب نظری دارد که به اختصار بیان میشود.

(توجه شدید مردم به حضرت رضا(ع) و بروز معجزات و خوارق عادات از آنحضرت حسادت مأمون را برانگیخت و بی‌بنای مخالفت را گذارد مقدمه کشتن امام را فراهم ساخت).

امام چون بر قصد مأمون آگاه شد به اقوام و اقارب خویش در مدینه نوشت که «چون نامه من بشمارسد بی‌درنگ به نزد من آید. جماعت انبوهی در حدود دوازده هزار تن از بنی‌هاشم که همه از احفاد ائمه بودند به‌جانب طوس حرکت کردند چون به «شهریار» و «سار» و «قمش» رسیدند مأمون با ارسال لشکریان متوالی به قلع و قمع ایشان کمر بست. سه‌شنبه‌روز جنگ ادامه داشت سرانجام آثار ضعف و سستی در بنی‌هاشم پدید آمد. رئیس ایشان (ابراهیم) امامزادگان را حکم به فرار داد از این نظر هر یک از ایشان فرار کرده و به اطراف متفرق گشتند^{۱۸} و نیز در همین کتاب آمده است که (چون مأمون علی بن موسی الرضا(ع) را کشت قصد اولاد ائمه را کرد و نامه به اطراف فرستاد که چون نامه من بشمارسد باید دمار از ابوتربیان بر آرید. چون مخالفان این بشنیدند دیگر بار خروج کرده و قصد اولاد ائمه را کردند.^{۱۹}

خیلی بعید نیست که یکی از فراریان این حادثه همان حسین بن موسی باشد

۱۷- ص ۲۴۱ جلد دوم منتهی‌الامال.

۱۸- ص ۸۰ کنزالانساب.

۱۹- ص ۷۳ کنزالانساب.

و بر اثر پاره‌ای از امور که مهمترین آنها تعصب مذهبی کرمانیها بوده اسم امامزاده از زبانها افتاده و حتی صاحب تذکره الاولیاء یا مزارات کرمان از وجود چنین امامزاده‌ای بی خبر مانده است و یا اگر میدانسته تعصب وی او را از یاد آوری نام امامزاده باز داشته است زیرا چنانکه میدانیم مذهب سابق کرمانیها تسنن بوده و در عقیده خود افراط میکرده اند مرحوم مهربانی هم ارادتش به غالب رجالی بوده که ایشانرا بسمت اولیاء الهی میشناخته است و در آغاز ظهور صفویه از بیم افراد بی‌باک قزلباش تقیه میکرده است و نامبرده در کتاب خود نامی از امامزاده نمیبرد و بذکر نام یکی از عرفا موسوم به (خواجه علمدار) اکتفاء میکند که قبر چنین شخصی در حال حاضر نزد نویسنده این مقاله نامعین است .

نام و نام مادر ، تاریخ تولد و وفات حسین بن موسی بن جعفر (ع) :

اسمش حسین فرزند امام موسی کاظم (ع) و بنا به گفته صاحب‌المجدی فی انساب‌الطالبین که گفته است (والحسین لأم ولد ، اولد بنین و بنات وانقرضوا) .
مادرش یکی از کنیزان امام (ع) بوده است .
در بحر‌الانساب نیز ذکر شده است که (ولد الحسین بن موسی کاظم عبدالله من ام ولد) .

از تاریخ ولادت وی اطلاع صحیحی نیست ولی در مورد وفات و یا شهادت وی میتوان گفت در حدود سالهای بعد از شهادت حضرت رضا (ع) بوده است یعنی در حدود ۲۰۳ تا ۲۰۶ هجری .

صاحب بحر‌الانساب سن حسین را هنگام وفات سیزده ساله ذکر میکند و این صحیح نیست زیرا اغلب نویسندگان برای او عقبی یاد کرده‌اند و این سن را در صورتی میتوان پذیرفت که از فرزندان وی چشم پوشیم .

فرزندان حسین بن موسی کاظم (ع) :

قدکان للحسین بن موسی (ع) عقب فی قول الشیخ ابی الحسن العمری ثم انقرض

وقال ابونصر البخاری قال العمری وابوالیقظان ان الحسین بن موسی الکاظم لم یعقب^{۲۰} ولی در عبارت «سیر السلسله العلویه» آمده است که «یقال انه اعقب ولا یصح ذلك» .

وقال ابن طباطبا «اعقب الحسین بن موسی (ع) عبدالله وعبیدالله ومحمداً و بالطَّبَّسین قوم یقولون انهم من ولد الحسین بن موسی وکتبوا الی کتبا» .
وقال ابونصر البخاری «ما رایت من هذا البطن احداً قط»^{۲۱} .

از عبارات بالا استنباط می‌گردد که در مورد فرزندان امامزاده نیز اختلاف موجود است چه اینکه ابن طباطبا قائل به فرزند برای او شده ولی ابونصر بخاری برای وی فرزندی نمی‌شناسد .

در «فصول الفخریه» آمده است (نسل امام موسی بن جعفر اکنون سیزده پسرند چهار نفرشان بسیار نسل دارند علی الرضا (ع) ، ابراهیم ، محمدعابد ، وجعفر و چهار نفر دیگر نسل ایشان متوسط است (زیدالنار عبدالله وعبیدالله وحمزه) و پنج تن نسل ایشان اندک است (عباس ، هارون ، اسحاق ، اسماعیل ، حسن و حسین) و حسین دارای نسل بوده اما منقرض شده و جمعی هستند فرزندی او ادعا میکنند اما ثابت نمیتوان کرد^{۲۲} .

در صحاح الاخبار آمده است :

(فعبقه یعنی حسین) مختلف فیه فمن قائل انه اولد بنین وبنات وانقرضوا ومن قائل انه ترك ولد اسم عبدالله وله عقب ومن قائل ان عقبه فی ثلاثة عبیدالله وعبدالله ومحمد واعقابهم فی صح (صحاح الاخبار) ولس لها الا البینه العادله والادله القاطعه^{۲۳} .

و بالاخره در مورد اعقاب حسین بن موسی (ع) در سیر السلسله العلویه چنین آمده است . (و كذلك یقول العمری وابوالیقظان «سحیم بن حفص» فی ولد الحسین بن

۲۰ و ۲۱ و ۲۲ - عمدة الطالب و مناهل الغرب منقول از کتاب جامع الانساب صفحه ۴۲ .

۲۳ - صحاح الاخبار .

موسی انه لم یعقب و علیه اکثر النسب الا ابوالحسن الموسوی النسابة القدیمة فانه اثبت نسبه فی کتابه^{۲۴}.

با در نظر گرفتن روایات و اظهارات متعدد و نیز گفته‌های فصول الفخریه باینکه حسین نسل کمی داشته است میتوان نسل وی را بصورت زیر بیان کرد .



در کنز الانساب فرزند دیگری برای حسین بنام «قاسم» یاد شده و از اعقاب وی صحبت شده است^{۲۴}.

محل وفات و دفن حسین بن موسی الکاظم (ع) :

وجود اماکن مقدسه و مقابر فراوان در اطراف و اکناف بلاد و شهرها که دفن شدگان در آنها به یکی از امامان منسوب اند برای علما و دانشمندان ایجاد اشکال و اشتباه نموده است که جز به معدودی از امامزادگان واجب التعظیم و صحیح النسب مانند شاه چراغ (احمد بن موسی) در شیراز و حضرت فاطمه در قم و شاه عبدالعظیم در شهر ری نسبت به صحت نسب بقیه سکوت اختیار کنند غرض این بنده از نوشتن این مقاله کاوشی بیشتر و عمیق تر درباره مرقد حسین بن موسی (ع) است البته نه به این منظور که بطور قطع قبر آن بزرگوار را در جوار ذکر کنم چه این خود از نظر دینی بسنده نیست و از نظر عامی هم احتیاج به ابراز سند قطعی و مسلمی دارد که بتواند جوابگوی هر گونه احتمال خلافی باشد .

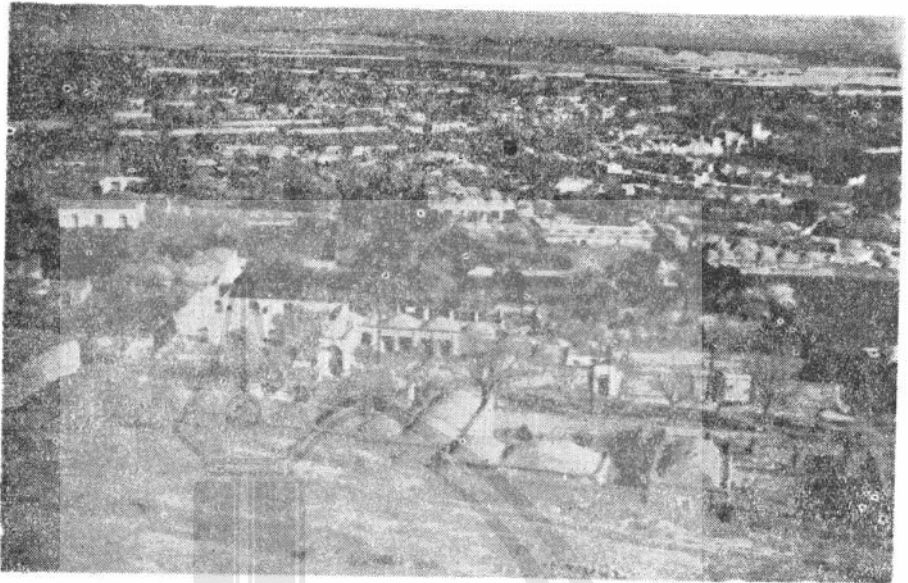
- اما جاهائی که مدفن حسین بن موسی را معین کرده‌اند ذیلاً بیان میشود .
- ۱- در کوفه (مات بالكوفه و دفن بالعباسیة . قلت و هو القبر الذی بقرب ام‌البعور المعروف عندهم بقبر الحسین) (تاریخ کوفه) .
 - ۲- در اراضی خوار بالای تپه نزدیک به دهی موسوم به ده سراب امامزاده‌ای معروف به (شاهزاده حسین بن موسی بن جعفر) و بقعه مختصر قدیمی دارد^{۲۵} .
 - ۳- در محله «بال کفت» شیراز بنا بگفته صاحب جامع الانساب (امام الحسین بن موسی بن جعفر و یلقب بالسید علاء الدین فقیره فی شیراز معروف) .
 - ۴- در جوپار که پنج فرسنگی کرمان است قبریست منسوب به حسین بن موسی بن جعفر (ع)^{۲۶} .
 - ۵- در کتاب «مناهل القرب فی انساب العرب» نیز عبارتی آمده حاکی از آنکه در جای دیگری هم ذکر شده است (قال الراوی رأیت رجلاً فی جبال ما سبذان و علیه علامة الأشراف فسألت عن نسبه و بلده ، فانتسب الی الحسین بن موسی (ع) و انهم من أهل قرية تسمى «ده‌لور» و هی من اعمال دزفول و عندهم مشهد الحسین ابن موسی بن جعفر و هم عشیره کبیره و اوقفنی علی جریده فیها نسبه و قدشهد جماعة من الفقهاء غیر انهم غیر عارفین بالانساب) .

خصوصیات مزار جوپار

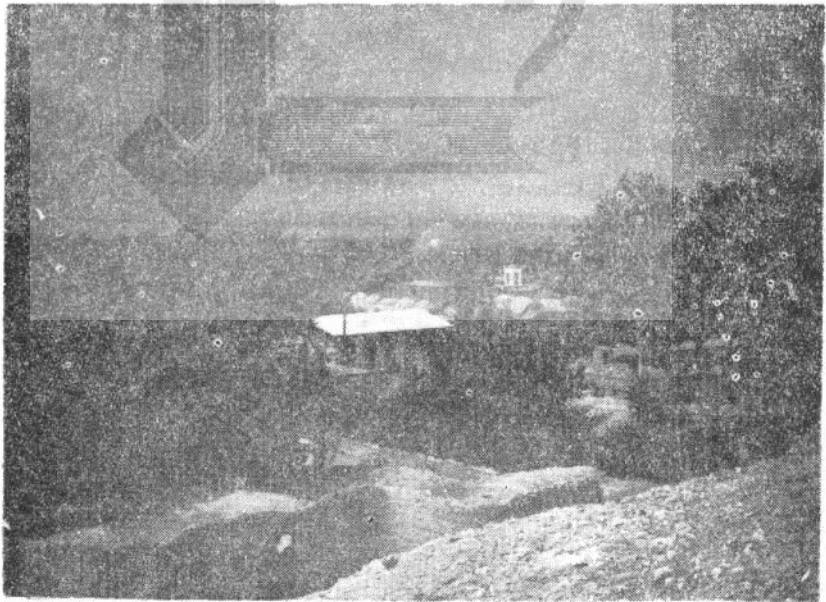
حرم این امامزاده در مرکز جوپار بر روی آخرین بلندی (تل) و تپه‌های دنباله کوه جوپار قرار گرفته است در این محل مرسوم بوده که چون شخص بزرگی فوت میکرد او را بر جای مرتفعی دفن میکردند و بهمین جهت قبر وی بر روی تپه واقع است و ساختمان وسیع آن تمامی سطح تپه را اشغال نموده است و بر اثر ساختمانهای متعدد فعلاً صورتی از تپه پدیدار نیست .

۲۵- ناسخ التواریخ جلد ۱۴ .

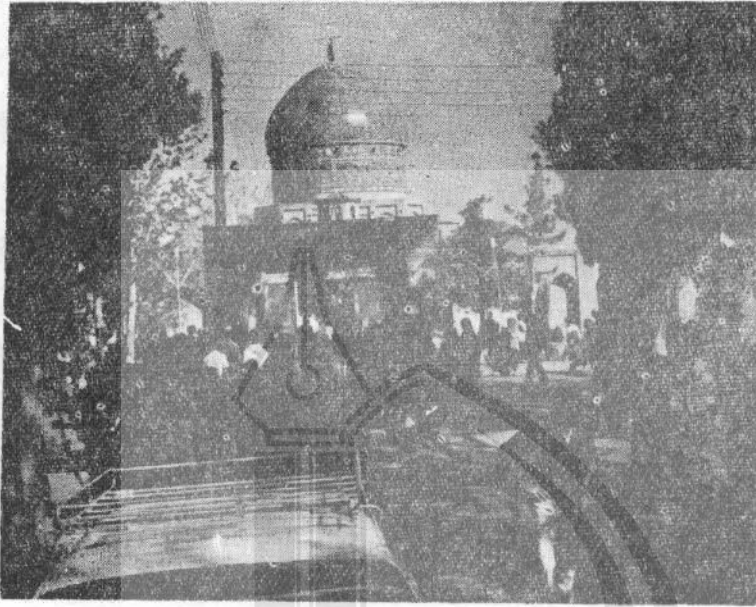
۲۶- منتخب التواریخ ملاهشم ذکر مدفونین کرمان و یزد .



منظره‌ای از جویبار



این عکس از دامنه کوه و از سمت جنوب شرقی گرفته شده است



قسمت جنوبی حرم و کدر ورودی

قبل از احداث بنای فعلی اطاقی مختصر و ضریحی چوبی حرم را تشکیل میداد. در سال ۱۲۸۳ هـ بنا به نذری که محمد اسماعیل خان (وکیل‌الملک) کرده بود آن بنا را بهم ریخت و بقعه و بارگاه مجلی بصورت فعلی بجای آن بساخت. این بنا شامل ۴ رواق است که از دو سمت شرقی و جنوبی به بیرون راه دارد و چهار کدر بزرگ حرم را به رواقها متصل میکند.

در قسمت شمالی صفه بزرگی مخصوص استراحت و بیتوته زائرین ساخته‌اند که بعلت پستی فوق‌العاده محل مزبور عبور و مروری از آن صورت نمیگیرد. بالای هر یک از درهای ورودی حرم مقرنس کاری و گچ‌بری‌های بسیار زیبایی انجام شده و در کتیبه بالای درهای ورودی شمالی و جنوبی اشعار و تاریخ شروع و اتمام بنا بیان شده است در این جا پاره‌ای از اشعار که با خط نستعلیق روی کاشی نوشته شده نقل میشود:

زهی رفیع جنابی که خاک درگه او ضیاء چهره مهر است و نور عارض ماه
 بلند درگه پرنور شاهزاده حسین که گرزحل نگرد، افتدش ز فرق، کلاه
 بعهد دولت دارای آسمان و زمین قوام قبه اسلام ناصرالدین شاه
 بحکم خان جهان بان، محمد اسمعیل وکیل ملک و سلیمان نگین و آصف جاه

صحن مطهر امامزاده در سمت جنوب حرم قرار دارد.

سازمان اداری و عمرانی حرم توسط جمعی از معاریف بنام هیئت امناء اداره میشود. این بنا تحت شماره ۵۲۱ آثار باستانی ثبت شده و اداره حفظ آثار باستانی در نگهداری این بنا اهتمام ورزیده و معرفی تفصیلی مقبور در این بقعه را به اهل فضل توصیه نموده است.



